

نامه امام به مالك اشتر

تشكر و اعذار

از اينكه بواسطه گرفتاريهاي گوناگون نويسنده ، سلسله مقالات « نامه امام به مالك اشتر » در دو شماره اخير منتشر نشد بدینوسيله معذرت خواسته و نیز از خوانندگان اينكه ابر از لطف فرموده بودند سپاسگزاريم امید و ارييم با تحول همه جانبه ای که در شماره های آينده مجله در نظر داريم بوجود آوريم اين سلسله مقالات نیز مانند ساير نوشته ها مرتب منتشر شده ، وقفه ای در کار آن پيش نيايد دفتر مجله

نور

چشميها!

مالكا ! نسبت بخدا و مردم از طرف خود و نزديكان و نور چشمي هايت انصاف ده ! حق خدا و مردم را از ايشان بگير ! زيرا در غير اين صورت بديشان ستم کرده ای و هر که به بندگان خدا ستم کند علاوه بر مردم ، خدای دشمن او خواهد بود ، و هر که خدا با او دشمنی کند حجت و برهانش باطل گردد و با خدا در جنگ و ستيز باشد مگر آنکه باز گردد و توبه نماید .

توبه بگويم ! هيچ چيز همانند ظلم و ستم و پايداری بر آن مؤثر در زوال نعمتهای خدا و تعجيل در عقوبتهای وی نيست و برآستی که خدا دعای مظلومان و ستمديدگان را می شنود و سخت در کمين ستمگران است .

مالكا ! ميدانی چه کارهائی را بيشر دوست داشته باش ؟
آن کار که در راه حق و حقيقت در وسط قرار گرفته از انحراف دورتر

گزارشی درباره :

پنجمین کنفرانس بین‌المللی متخصصین مسائل اسلامی

در تاریخ ۲۱ اوت
۱۹۷۰ مصادف با نهم
شهریور ماه ۱۳۴۹
« پنجمین کنفرانس
بین‌المللی متخصصین
مسائل اسلامی » در بلژیک
در سالن سخنرانی دانشگاه
لیمرشبروکسل بسر-
پرستی آقای آبل استاد
همان دانشگاه تشکیل
گردید .

قبل از سخن پیرامون
کنفرانس لازم بتذکر
است که در سال ۱۹۶۰
در یکی از کنفرانسهای
بین‌المللی خاورشناسان
لطفاً ورق بزنید

رضای کسرخ

است ! و آن کار که عدلش عمومی تر باشد و رضایت مردم را بیشتر
جلب نماید ...

برای چه ؟

زیرا در صورت نارضایتی مردم، رضایت و خشنودی نورچشمی‌ها
اثری ندارد ، ولی در صورت رضایت مردم ناخشنودی نورچشمی‌ها
ضرری نمیرساند !

صریحتر بگویم ! ویژگیان و نورچشمی‌های والی به گناه
صلح و رفاه برای او از همه گران‌بارتر و پر خرج‌ترند و در هنگام
گرفتاری و سختی از همه کس بی‌فایده تر ! از عدل و انصاف سخت
گریزانند و وقتی خواهشی دارند بی‌اندازه مصرند ، اگر
خواهششان برآورده شد از هر کس ناسپاسترند ، و اگر از ایشان
دریغ شد عذر ناپذیر ترند ، در برابر مشکلات و گرفتاریهای
روزگار ناشکیبا و بی‌طاقتند ، آری اینانند ویژگیان دستگاه و
نورچشمی‌های فرماندار ! در مقابل ایندسته توده مردمند که
ستون دین و جامعه مسلمین و ذخیره‌ای برای دفع دشمنند ! پس
بکوش که همیشه هواخواه توده باشی و گوش دلت به فرمان آنها.
ای مالک ! بتو بگویم از چه کسی دوری‌گزین، از آن کس که بیشتر
از مردم عیبجویی می‌کند ، زیرا خواه و ناخواه در مردم عیب‌هایی
هست که والی بیشتر از دیگران سزاوار است آن عیب‌ها را ببوشاند،
پس در کشف اسرار مردم مکوش ! و گناهان پوشیده را بر-
ملاساژ !

زیرا اگر جرم و گناه علنی شد تو مسئول رفع آنها هستی و تو
باید که در تطهیر عیوب اجتماع بکوشی ! ولی اگر جرم و گناهی
پنهان بود خدای بزرگ در باره آنها حکم خواهد کرد و تو مسئولیتی

گزارشی درباره

که در مسکو تشکیل گردیده بود تصمیم گرفته شد که هر دو سال یکبار يك کنفرانس بین المللی روی مسائل مربوط به بنیای اسلام و خاورمیانه در قاره اروپا تشکیل گردد. در دنباله این تصمیم کنفرانس مزبور بطور منظم برپا گردیده است بدین ترتیب:

۱- در سال ۱۹۶۲ در قرطبه، اسپانیا.

۲- در سال ۱۹۶۴ در کامبریج انگلستان.

۳- در سال ۱۹۶۶ در رادلو، ایتالیا

۴- در سال ۱۹۶۸ در کومبرو، پرتغال

۵- در سال ۱۹۷۰ در بروکسل، بلژیک

خوشبختانه نگارنده موفق شدم در پنجمین

کنفرانس مزبور در برو- کسل بلژیک شرکت و یک

سخنرانی نیز پیرامون خواجه نصیرالدین طوسی

در این باره نداری پس تا میتوانی پرده پوشی کن تا خدای بزرگ نیز عیب ترا ببوشاند!

« ترجمه متن قسمتی از نامه امام (ع) »

توضیح و تفسیر

در حالیکه انبیای عظام پروردگار و مصلحان بزرگ تاریخ با کمال سختی و مشقت به مبارزه بزرگ و مردانه خویش علیه ظلم و بیادگری ادامه میدادند، بدانند ایشان و فتنه جویان بسیاری در کمال رفاه و آسایش بسر برده در مقابل حق و حقیقت صف کشیده سدی بزرگ بوجود میآورده اند تا آنجا که گاه بگردن کشی و طغیان خویش در مقابل مردان خدا افتخار هم میکرده اند!

دیده اند و دیده ایم که گاه خون هم با اصطلاح از دماغشان جاری نمی شده، در همان حال که مردان خدا خون دل میخورده اند اینان به مکیدن بقایای خون مردم مشغول بوده اند! . . .

چرا برای آنکه دنیا دار مجازات و مکافات حقیقی نیست! سزای واقعی اعمال انسان در سرای دیگر و جهان دیگر داده خواهد شد که: **اللیوم عمل و لاحساب و غدا حساب و لاعمل جهان کنونی** جای کار و کوشش است و حساب و کتابی در کار نیست و فردا (دنیای دیگر) جای حساب و کتاب است و سعی و کوششی نه!

معدالک برای اینکه بشر یکلی مغرور نشود و بواسطه فرورفتن در معاصی و گناهان یکباره خدا را فراموش نکند گاه سزای اعمالش را در این جهان نیز می بیند: **«ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس لئنذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون - قرآن مجید»** فتنه و فساد در خشکی و دریای پدید آمد بخاطر کارهای ناشایستی که خود انسان انجام میدهد این بدان جهت است که ما بمردم بچشائیم نتیجه کمی از اعمالشان را شاید از راه کج بر گردند. امیرمؤمنان (ع) در دعائیکه به کمیل بن زیاد تعلیم میفرماید به پیشگاه پروردگار عرض می کند: **«خدایا! آن گناهان را بر من به بخش که موجب زوال نعمت می شود، پروردگارا! آن گناهان را از من بپامرز که موجب نزول بلا می گردد»**

گزارشی درباره

در مورد اینکه آیا اونقشی در حمله مغول بینداد داشته است یا نه ایراد کنیم. در این کنفرانس بسیاری از مسائل مربوط به تمدن و علوم اسلامی از آغاز ظهور اسلام تا زمان حاضر مورد بحث قرار گرفت و عده‌ای در حدود ۱۲۰ نفر از اساتید و روساء دانشکده‌های خاورشناس کشورهای مختلف دنیا در آن شرکت و متجاوز از ۷۰ نفر سخنرانی ایراد کردند.

مسائلی که در خلال سخنرانی‌ها مورد بحث قرار گرفت بطور خلاصه بقرار زیر است:

ایمان عربهای جاهلی به «خدای بزرگ»، قرآن حدیث، تصوف و فلسفه اسلامی، معتزله و اشاعره تئوری «قیاس»، افکار تفنذانی، زبان و ادبیات عرب و ترک، رابطه منطق با شعر عربی و فارسی

و در میان گناهایی که موجب زوال نعمت و نزول بلا و مصیبت میگردد هیچ گناهی به عقیده امام (ع) از ظلم و ستم و پایداری بر آن مؤثرتر و کاری‌تر نیست.

بمطالعه در اوراق تاریخ این حقیقت بخوبی بر ما روشن میگردد که وقتی ظلم و ستم اوج میگردد و باصلاح فواره پر میشود موسم سرنگونی آن فرا می‌رسد، چه اندازه ستمگرانی که با کمال ذلت و بدبختی بیشتر دور از یار و یار جان سپردند، و بسزای اعمال تبهکارانه خویش رسیدند. چه بسیار ستمگرانی که حتی بدست عزیزترین کسان خویش از پای درآمدند و روزگار عزتشان سپری شد و پس از یک عمر که میخوردند خورده شدند!

شنیده‌اید که متوکل خلیفه عباسی بیدادگری را از حد گذراند، نسبت بخاندان پیغمبر (ص) و آل علی (ع) ستمها کرد، جورها نمود، میگویند برای اینکه یک وقت نکند یکی از دوستان آل علی بوی آسیبی برساند نقشه‌ها کشید من جمله: یکی از فرماندارانش نوشت شنیده‌ام شمشیری فلان استاد، ساخته که در نوع خود از نظر برندگی و جوهر داری بی نظیر است بهر قیمت هست آنرا برای من بخر و بفرست!

فرماندار پس از تحقیق فهمید که آن شمشیر بفروش رفته و بشهر دیگری منتقل شده است، جریان را گزارش داد، متوکل به فرماندار آن شهر نوشت شمشیر را برایش بخرند و بفرستند و بالاخره با زحمت بسیار و صرف مال فراوان شمشیر خریداری و به محضر خلیفه تقدیم شد، خلیفه مستحفظ مخصوص خویش را خواست و شمشیر را بر کمر او بست و گفت، هیچکس سزاوارتر از تو نیست که این شمشیر بر کمر او بسته باشد که تو محافظ جان خلیفه‌ای! تو باید این شمشیر را بکمر بندی و همه شب تا صبح مراقب باشی مبادا دشمنی آهنگ جان ما نماید!

با این ترتیب آسوده خاطر بود که با وجود شمشیر قیمتی و نگهبان مخصوص کسی را زهره آن نیست که قصد جانش نماید ولی نمیدانست روزگارا فرازونشیب بسیار است و بادست تقدیر نمیتوان جنگید طولی نکشید، ولیعهد زمان، فرزند عزیز و دلپندش از تعدی‌های پدر بجان آمده شبی بکاخ وارد شد و شمشیر را از نگهبان گرفت و با آن پدر را کشت و بالاخره معلوم شد که

گزارشی درباره

ادبیات روستائی فارسی،
نقش تشکیلات «مدرسه»
دردنیای اسلام، مسائلی از
تاریخ صفویه، ترجمه‌های
لاتین کتب ابن سینا، شیعه
امامیه در ماوراءالنهر در
زمان سامانیان، جهاد
در اسلام، اسلام در لیبی،
الجزائر، مراکش،
عربستان سعودی، تونس
مصر و یوگسلاوی، مقایسه
فتوح عربها و اسکاندینا-
ویها، نقش سید جمال‌الدین
اسدآبادی در سیاست مصر
در اواخر قرن ۱۹، دولت و
مذهب در ایران و مسائل
دیگر که ارزش تحقیقی
هر یک غیر قابل چشم‌پوشی
است.

ناگفته نماند که متن
سخنرانی‌ها که بزبانهای
فرانسه، انگلیسی، آلمانی
ایتالیائی و پرتغالی ایراد
گردیده قرار است در یک
مجموعه جداگانه چاپ
و نشر گردد و دانشمندان
متفکر ما در ایران در آن

زحمات خلیفه در راه تحصیل شمشیر هد رفته بود !!
فقط آن شمشیر بدرد کشتن خلیفه و وزیرش می‌خورد و حیف

بود که با شمشیر قیمتی جان بیچاره‌ای گرفته شود!
این یک نمونه بود و صفحات محدود مجله اجازه نمی‌دهد
بوقایع تاریخی اشاره کنیم و پایان کار بسیاری از ستمگران را
بررسی نمائیم! که غالباً سرنوشت‌هایی مشابه هم داشته‌اند- آغازی
نیکو و فرجامی فکبت‌بار!

کار بخاطر مردم

تردید نیست که در یک اجتماع بزرگ هر زمانه دارمصلحی
دست بهر کار اصلاحی بزند طبعاً یکدسته ناراضی می‌مانند در
اجتماعی که خوب و بد، ظالم و مظلوم، غنی و فقیر، قوی و
ضعیف وجود دارد پیداست نمی‌شود کاری کرد که همه راضی باشند
اگر قدمی برفع توده فقیر ورنجیر، زحمتکش و بی‌نوا برداشته شود،
اغنیاء و ثروتمندان ناراضی می‌شوند، اگر بخوانند طبقه ممتازه!
واشراف را راضی نگهدارند، رضایت آنها بقیامت خشم و
غضب توده تمام می‌شود پس چه باید کرد؟

تا دیده‌ایم و شنیده‌ایم سفارش نورچشمی‌ها بوده است و
توصیه کله‌کنده‌ها! شاید برای اولین و آخرین مرتبه این روش
از طرف زمامداری بزرگ چون امام علی بن ابی‌طالب منسوخ شد
و او بود که بفرمانداریش نوشت: آن کاری را اختیار کن که عدلش
عمومی‌تر باشد ده نفر ناراضی باشند بهتر است که صدها هزار نفر
و بعد بفرمانداریش دارمیدهد که بالاخره هر کار بکنی از خود -
راضی‌ها از تو راضی نخواهند شد! امان از اشراف و نورچشمی‌ها
که اگر عالم راهم لقمه‌ای کنی و بدهان نشان بگذاری باز هم رضایت
نخواهند داد. و دیک حرس و آژان خاموش نخواهد گشت.
و اگر احیاناً در انجام خواسته‌هاشان تملل و رزی عذرت را
نخواهند پذیرفت، اینها هستند که خرجشان برای حکومت از همه
زیادتر، توقعشان بیشتر و نفعشان از همه کمتر است، در موقع
بیچارگی حکومت هم کاری از این نازپرورده‌ها ساخته نیست!
پس چه بهتر که فرماندار بدون ملاحظه از این دسته در

گزارشی در باره

وقت مجال خواهند داشت
که مطالب آنرا که
خلاصه‌ای از آراء و عقائد
نویسندگان حاضر دنیای
غرب درباره اسلام است
تحت مذاقه و بحث‌های
انتقادی خود قرار دهند

عبدالهادی حائری

مونتريال - کانادا

۲۰ سپتامبر ۱۹۷۰



جلب رضایت توده ملت بکوشد که آنها ستون دین و جامعه مسلمین
و ذخیره‌ای برای دفع دشمنانند .

عیبجویان تنبهار

امام معتقد است : فرماندار باید بکوشد تا زنگار
خیانت‌های علنی را از جامعه بزدايد و از تظاهر بگناه جلوگیری
کند و به بطون کار مردم کار نداشته باشد ، مردم باید در
روابط اجتماعی خویش کاملاً رعایت امانت و صداقت را بنمایند
در کوچه و بازار دزدی نشود ، کم فروشی و خیانت موقوف گردد ،
بمال و جان و ناموس مردم تعدی نشود ، معاملات بر اساس راستی
و درستی و امانت و تقوی انجام پذیرد ، اگر خلافی رخ داد فرماندار
باید با کمال حدت و شدت جلو آنرا بگیرد .

ولی بزوایای کار مردم کار نداشته باشد ممکن است
گناهانی در خانه‌ها انجام گیرد ، امکان دارد مردمی دور از
چشم اجتماع درون خانه خویش مرتکب اعمال ناشایستی هم
بشوند ولی هرگز تظاهر بگناه و آلودگی نکنند گناه در خانه ،
مثلاً میگساری در منزل ، قمار و نرف باهم در يك محیط کاملاً در بسته
و امن ، ارتکاب جرمی دور از چشم اجتماع و .. همه و همه گناه
است ولی سزای آن با خداست و سروکار این گونه گناهکاران با
خدای بزرگ است فردای قیامت خواست می‌بخشد و خواست
عقوبت می‌کند اعمال آنها ایجاد مسئولیتی برای زمامدار نمیکند
فرماندار باید جلو خیانت‌های علنی را بگیرد و از تظاهر بگناه
جلوگیری کند و بداخل خانه‌های خصوصی افراد کار نداشته باشد .
و نیز از عیبجویانی که در صدند راز مردم را فاش کنند بشدت
بپرهیزد ، اینگونه مردم غافلند که خداوند ستارالمیوب
است ، بشر هر چه باشد از گناه و آلودگی پاک و منزه نیست ، ممکن
است آلودگی‌هایی داشته باشد . این آلودگی‌ها تا آنجا که پنهان بوده و
عفت عمومی را جریحه دار نسازد جریمه دنیوی ندارد و زمامدار
هم بایستی در پوشاندن اینگونه عیبهای اجتماع بکوشد .

و بدان آنها که در صدند راز مردم را فاش نموده اسرار
درویشان را برملا سازند خادمان اجتماع نبوده و فرماندار باید
از آنها سخت دوری و اجتناب نماید ...